

وقتی بچه‌ها همیار پلیس شدند

۲۱۲

شیراز + کوله‌بیشه

۱۴۰۳ ۰۷ ۱۸

ضمیمه روزنامه شهرآرا
ویژه کودکان مشهد
چهارشنبه

شبه سیاه را گرفتیم

مواظب دوستی‌هایمان باشیم

حس غرور و رهایی برقله

۱۰

۱۴

حس غرور و رهایی برقله

۱۰



یک کلاس زیبا

بعد از نام و یاد خدای بزرگ و مهربان، سلام می‌کنیم به همه شما دوستان خوب و پرتلاش کوله‌پشتی. امید داریم که سال تحصیلی جدید را با انرژی کافی، در کنار دوستان خوب و در کلاسی زیبا، پرانرژی و انگیزه‌بخش شروع کرده باشید و بتوانید در عرصه‌های علم و ادب و اخلاق بدرخشید.

بچه‌های عزیز! امروز می‌خواهیم درباره اینکه چطور می‌شود محیط کلاس درس را به فضایی دل‌نشین و مناسب برای آموختن تبدیل کرد، صحبت کنیم.

خوب است بدانید که داشتن کلاسی زیبا، تزیین شده و مورد تأیید مدیر مدرسه و معلمان که مرتبط با محتوای کتاب‌هایتان باشد، اصلاً کار سختی نیست.

این کار به کمی روحیه مشارکتی و همکاری شما با معلم و هم‌کلاسی‌هایتان بستگی دارد.

شما با اجازه معلم و مدیر مدرسه می‌توانید با کمی خوش‌فکری و ایده‌های خلاقانه، محتوای بعضی از درس‌های مهم و مورد علاقه خودتان را در قالب‌های عکس و پوستر و

کاردستی روی دیوارهای کلاس یا قسمت‌هایی از پنجره، بچسبانید.

زدن یک تابلو اعلانات، تقویم تاریخی، مراسم مهم مدرسه‌تان و برنامه کلاس هم در کنار تخته به شما برای به‌روزرسانی خیلی کمک

می‌کند. شما می‌توانید کلاستان را روح تازه‌ای بدهید به طوری که درس خواندن در آن برای شما لذت‌بخش‌تر شود.



طیبه ثابت

فهرست

- لقمه‌های کوچک خوشمزه ۱/
- هوای خوب زیارت ۲/
- جامسواکی زیبای بازیافتی ۳/
- شیخ سیاه را گرفتیم ۴/
- آوردگاه ۶/
- تفاوت‌های رنگ ورزشی ۷/
- الهی پیر شی ۸/
- حسن غرور و رهایی بر قله ۱۰/
- یک باستانی خوشمزه ۱۲/
- دو کتاب خواندنی ۱۳/
- مواظب دوستی‌هایمان باشیم ۱۴/
- کیان، به رنگ زندگی ۱۶/

- صاحب‌امتیاز:
- شهر داری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میثم موسوی مهر
- سر دبیر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- دبیر ضمانتی:
- ارژنگ حاتمی
- دبیر کوله‌پشتی:
- طیبه سادات ثابت
- گرافیک و صفحه‌آرایی:
- ملک جمعی

- پست الکترونیک:
- sabet@shahrara.com
- نشانی سایت:
- shahrara.news.ir/fai/kids
- پيام‌رسان روزنامه: ۰۶۰۵۴۶۵۸۱-۰۹۰
- نشانی: خیابان کوهسنگی
- ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱
- توزیع و امور مشترکین: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۰۵۱
- داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



لقمه های کوچک خوشمزه

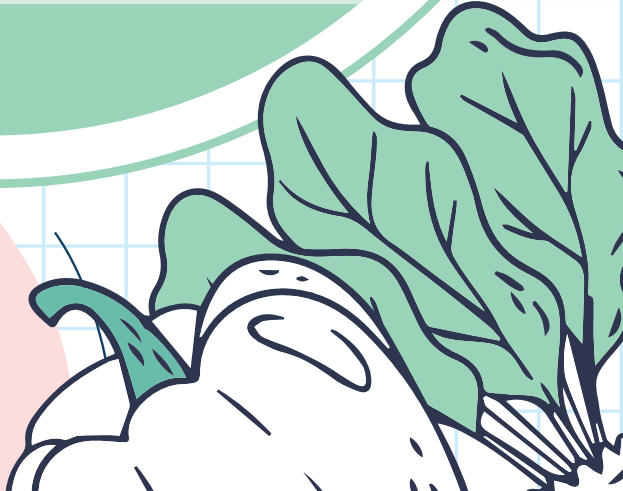
فصل درس و مدرسه که می شود، بازار خوراکی های ناسالم داغ می شود. خوراکی هایی که هم به سلامت جسمی بچه ها ضربه می زند و هم با دچار شدن به بیماری های مختلف خانواده را دچار نگرانی می کند. پس برای داشتن بدنی سالم باید از خوراکی های خوب و مفید استفاده کرد. امروز به معرفی دو خوراکی خوب یعنی تخم مرغ و سیب زمینی بسنده می کنیم.

تخم مرغ:

تخم مرغ می تواند یک تغذیه سالم برای زنگ تفریح شما باشد. چرا که این خوراکی خوب مملو از مواد معدنی ضروری برای سلامت شما بچه ها است. یک تخم مرغ حاوی مقادیر مفیدی از ویتامین های B12، A، E، B5 و همچنین آهن، ید و فسفر است. مغز شما به پروتئین و ویتامین نیازمند است و شما در میان وعده هایتان باید از خوراکی های مقوی مانند تخم مرغ آب پز استفاده کنید. تخم مرغ آب پز شده پروتئین بسیار زیادی دارد و علاوه بر اینکه برای استحکام استخوان های شما بسیار مفید است و به آن ویتامین آفتاب لقب داده اند.

سیب زمینی:

سیب زمینی یکی دیگر از خوراکی های خوب و پرفایده برای شما به شمار می رود چرا که این خوراکی خوب منبع غنی از ویتامین های لازم مثل ویتامین C و مواد معدنی مثل پتاسیم است که باعث بالا رفتن سیستم ایمنی شما در برابر ابتلا به بیماری ها به شمار می رود. بچه های عزیز، یک ساندویچ سیب زمینی آپیز که کمی پونه یا جعفری خشک مادران به آن اضافه کرده یک غذای سالم برای وقت های گرسنگی شما در مدرسه است.



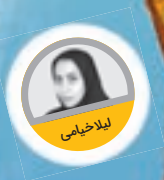
به مناسبت رحلت حضرت معصومه (س)

هوای خوب زیارت

قم تورفتی تا به حالا؟
حضرت معصومه آن جاست
خانه‌ای دارد پراز نور
باصفا و خوب و زیباست

مردم از هر جای ایران
می‌روند آنجا زیارت
توی صحنش می‌نشینند
بادعا و شوق و حسرت

جمعه و شنبه، شب و روز
این حرم هر لحظه باز است
صاحبش از بس که خوب است
بس که او مهمان نواز است



تصویرگر: زهره اقطاعی





جامسواکی زیبای بازیافتی



چطوری درست کنیم؟

دست نگه دارید! بعد از تمام شدن محتوای ظروف شامپو یا مایع دست شویی آن را درون کیسه زباله های خشک نیندازید. کمی فکر و خلاقیت به شما کمک می کند تا با آن ها کاردستی های زیبایی درست کنید. پس همین حالا برای درست کردن یک جامسواکی زیبا دست به کار شوید. ابتدا ظرف را تمیز کنید. سپس قسمت بالای آن را دو نیمه ی مستطیل کوچک و بزرگ تر درون هم بکشید. در اطراف آن هر شکلی را که دوست دارید، بکشید. البته دقت داشته باشید طرحتان را در قسمت پایین ظرف بکشید. با کمک یک بزرگ تر دور آن را با احتیاط و به آرامی با کاتر برش دهید. حالا شما یک جامسواکی زیبای بازیافتی دارید.

چی لازم داریم؟

ظرف شامپو یا مایع دست شویی

کاتر

ماژیک مشکی



وقتی شبیح سیاه را گرفتیم



شبیح سیاه را گرفتیم



سه طبقه خانه‌ی شان مخفی شد و احسان هم پشت تیر چراغ برق خودش را مخفی کرد. مسعود و چند نفر دیگر هم راه افتادند تا با همه حرف بزنند.

زینت خانم دزد را در حال دویدن دیده بود و گفت: دزد لاغر و جوان بوده.

آقا جمشید گفت: قبل دزدیده شدن کفش‌ها از حیاط مجتمع صدای موتورسیکلت شنیده. دختر آقای درودی هم گفت: از لای در نیمه باز آپارتمان دیده که یکی با لباس چهارخونه کفش‌ها را به سرعت برداشته و دررفته است.

بچه‌ها همه‌ی این‌ها را در دفترچه‌ها نوشتند. بعد با پیامک با بقیه‌ی گروه جست و جوی دزد، این اطلاعات را رد و بدل کردند.

هنوز خیلی از ارسال پیامک‌ها نگذشته بود که احسان به همه پیامک داد: بچه‌ها من از این بالای پشت بوم دیدمش داره میاد. با موتور و پیراهن چهارخونه آمد.

همه آماده باش بودند. احسان گفت: دزد رفت جلوی در. می‌خواهد در را باز کند، بچه‌ها به همسایه‌ها خبر بدهید.

بابای احسان سریع گوشی تلفن را از جیبش درآورد و زنگ زد به ۱۱۰. هنوز خیلی نگذشته بود که پلیس‌ها آمدند و دزد را دستگیر کردند.

آن‌ها موقع رفتنشان از بچه‌ها هم تشکر کردند و گفتند: شما مثل همیار پلیس‌ها رفتار کردید. آفرین.

وقتی ماشین نیروی انتظامی از کوچه بیرون می‌رفت، اهالی مجتمع همه شاد و هیجان‌زده

ماجرا از این قرار بود که پشت سر هم در محله احسان و مجتمع‌های اطراف دزدی می‌شد. خبر دزدی از خانه‌ی آقا جمشید و دزدی کفش‌های مهمانان مجتمع خانم درودی کم بود که صدای آقای هوشنگی هم درآمد که دزد، کفش‌ها و بعضی وسایلشان را برده است.

این سومین دزدی در محله بود. بچه‌ها جمع شده بودند وسط حیاط مجتمع و درباره‌ی این دزدی‌ها حرف می‌زدند. مسعود گفت: دزد خیلی حرفه‌ای است.

احسان که تازه دو چرخه خریده بود، آهی کشید و گفت: می‌ترسم بعد از دزدیدن کفش‌ها به فکر دزدیدن دو چرخه‌ها بیفتد. رضا گفت: باید یکی دزد را دستگیر کند. اصلاً چرا خودمان دزد را پیدا نکنیم؟

مسعود سریع دفترچه‌ی یادداشتش را از جیب شلوار جینش بیرون کشید و گفت: باید هر چیز مشکوکی را یادداشت کنیم. مرتضی هم که تازه به جمع بچه‌ها اضافه شده بود، گفت: باید چند نفر مخفیانه مواظب باشند تا اگر دزد را دیدند، بقیه را خبر کنند.

همه با این نقشه موافق بودند برای همین کارها تقسیم شد. چند نفر از بچه‌ها مسئول حرف زدن با ساکنان مجتمع و چند نفر مسئول نگهبانی دادن، در غروب و نصفه شب‌ها شدند.

رضا رفت و لای شاخه‌های درخت بزرگ مجتمع پنهان شد. امیدروی پشت بام مجتمع





بودند. آقا جمشید
مدیر مجتمع از گروه
جست و جوی دزد تشکر کرد و از
طرف اهالی مجتمع به آن‌ها اجازه داد عصرها
یک ساعت بیشتر در حیاط مجتمع توپ بازی
کنند. گروه جست و جوی دزد هم
با خوش حالی بالا و پایین پریدند و
رفتند تا کمی توپ بازی کنند. خب
بعد از یک مأموریت مهم توپ بازی خیلی
می‌چسبد.

تصویرگر: زهره افشاری

آوردگاه



مهدي عشيقي



اگر از آن دسته از بچه هایی هستید که به بازی های ماجراجویی و تعقیب و گریز علاقه مندید، پیشنهاد می کنم بازی «آوردگاه» که میدان جنگ معنا می دهد را ببینید و هیجان آن را تجربه کنید.

در معرفی این بازی باید بدانید «آوردگاه» یک بازی جنگی کاملاً ایرانی است که در لحظه لحظه ی آن می توانید، وارد نبردهای مهیج شوید و با دیگر بازیکنان که نقش دشمن را دارند، هوشمندانه مبارزه کنید.

فراموش نکنید که در این بازی، ده ها اسلحه ی مختلف به همراه قابلیت های شخصی سازی متنوع از جمله دوربین، اسلحه، خشاب، صدا خفه کن و... در دسترس شما هستند تا از آن ها استفاده کنید و دشمنان را شکست دهید.

از دیگر نقاط قوت این بازی می توان به امکان بازی با دوستان، ایجاد اتحاد و تبادل سرمایه با دوستان و همچنین نقشه بزرگ با جزئیات بازی اشاره کرد.

پس همین حالا با دوربین گوشی تان، کد زیر را اسکن کنید و وارد دنیای جذاب نبردهای آوردگاه شوید.



اسکن کنید





تفاوت‌های زنگ ورزش

زنگ ورزش را همه بچه‌ها دوست دارند. مگر می‌شود کسی جنب و جوش و بازی و شادی را دوست نداشته باشد. بچه‌های عزیز با دقت در تصویر زیر تفاوت را پیدا کنید و به شماره ایتمای کوله‌پشتی که در صفحه اول نشریه کوله‌پشتی درج شده است بفرستید و جزو گروه هوا دار ما باشید.





چه کار خوبی می کنی کنار
مامان بزرگ می نشینی و به حرف هایش
گوش می کنی. آفرین! ۲! خانه جلو برو.

۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰

مامان
شده. چه
اس

چه کار خوبی
می کنی به بابا بزرگ کمک
می کنی لباسش را بپوشد.
آفرین به تو! ۲! خانه برو
جلوتر.



۹

۸



۴۹ ۴۸ ۴۷ ۴۶



۷

۶



کجا با این عجله؟ یادت رفت
به بابا بزرگ سلام کنی. ۲! خانه به عقب
برگرد و به بابا بزرگ سلام کن.

چرا
این قدر سروصدا
می کنی؟ مگر
نمی دانی بابا بزرگ
خوابیده؟ ۲! خانه
عقب برگرد و کمی
آرام تر بازی کن.



۴۵

۴۴

۴۳

۴۲

۴۱

۴۰



۴

۳

۲

۱

۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰

می دانم خیلی عجله داری
اول بزرگ ترها. ۱! بار تاس
زده اول بابا بزرگ از پله ها

شروع:

بچه ها می خواهند یاد
بگیرند چه طور با سالمندان
(پدربزرگ و مادربزرگ)، رفتار
کنند. با آن ها همراه شو. تاس
بریز و شروع کن.

الهی پیر شی!

شرح بازی: برای این بازی به یک تاس
و به تعداد بازیکنان، مهره نیاز داریم.
بازی با تاس ۶ شروع می شود. برنده
کسی است که زودتر مسیر را طی کند
و به نقطه ی پایانی برسد. هدف این
بازی آشنایی کودکان با آموزه های
تربیتی نسبت به افراد سالخورده
جامعه است. کودک همراه بازی یاد
می گیرد که چه طور باید با پدربزرگ
و مادربزرگ و افراد سالمند در جاها
و موقعیت های مختلف رفتار کند.



مهندس عباس
پورسی





ساک خرید برای او خیلی سنگین است. آفرین که کمک می‌کنی و ساک بابا بزرگ را برایش می‌بری. ۲ خانه جلو برو.

۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷



چه کار بدی کردی سر بابا بزرگ داد زدی! ۲ خانه عقب برگرد و از او معذرت خواهی کن.

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

ان بزرگ پیر و کم حوصله کار خوبی می‌کنی وقتی ناراحت، با او مهربانی می‌کنی. ۱ خانه برو جلو.



۵۰

پایان
آفرین که چیزهای خوبی درباره‌ی رفتار با سالمندان یاد گرفتی. وقتی یک سالمند برایت دعای خیر سلامتی می‌کند، می‌گویی: الهی پیرشی، یعنی عمر طولانی داشته باشی.

مامان بزرگ پیر شده و بعضی چیزها را فراموش می‌کند. چه خوب که پادش انداختی و کمکش کردی دارویش را بخورد. ۳ خانه برو جلو.



۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

باتاس فرد حرکت کن.

اری اما ریز و اجازه پیاپی برو.



کوهنورد کوچک از تجربیاتش می‌گوید:

حس غرور و رهایی بر قله



ورزش کوه‌نوردی،
استقامت، قدرت عضلانی
و تعادل را تقویت می‌کند. هم‌فکری
و همکاری در تیم هم توانمندی‌های
اجتماعی را بهتر و به یادگیری
مسئولیت‌پذیری و احترام به دیگران
کمک می‌کند.

معین زنجایی، کلاس پنجم مدرسه
امام رضا (ع) است. او از کودکی
همراه پدر و مادرش به
کوه‌نوردی می‌رفته و
اکنون در رشته‌های
کاراته، شنا و
کوه‌نوردی فعالیت
می‌کند و قهرمان کشور
است. گفت‌وگوی ما را
با معین بخوانید.



گام به گام تاقله پیروزی

فعالیتیم در رشته‌ی کوه‌نوردی از کودکی
سبب شد که به این رشته علاقه‌مند شوم،
پس از آن برای انتخاب رشته‌ی رزمی با
پدرم به باشگاه نزدیک خانه رفتیم و من با
دیدن بچه‌هایی که مشغول ورزش کاراته
بودند با مشاوره استاد محمدی تصمیم
گرفتم در کلاس‌های این رشته شرکت
کنم، اما شنای از استخری که داخل باغ
داشتیم همراه با پدرم شروع کردم و
سپس در کلاس‌های شنا شرکت کردم.

نخستین موفقیتیم کسب مقام اول در
رشته‌ی کاراته مسابقات قهرمانی استان
سال ۱۴۰۱ بود. پس از آن دریافت حکم
قهرمانی استان و مقام سوم خردسالان در
همان سال، کسب حکم قهرمانی کشور و
مقام سوم نونهالان سال ۱۴۰۲ و دریافت
گواهی صعود به قله ۳۱۹۵ متری قوای
زلیخا بام استان کردستان در سال گذشته
از افتخاراتم بوده است.

در این میان تجربه‌ی سفر کردن بدون
خانواده، همراه تیم ورزشی و استاد
محمدی برای مسابقات کشوری کاراته
و پس از آن استقبال خانواده از من، برایم
بسیار خاطره‌انگیز بوده است. البته یک
بار هم در کاراته با ضربه‌ی خطای
حریف به چشمم در حال مبارزه
آسیب دیدم، اما باعث نشد
که از تلاش دست بردارم.





یک پسر نمونه

به نظر من علاقه به رشته های رزمی سبب می شود ورزش را با همه جزئیاتش دوست داشته باشیم، خشن نباشیم و جوانمردی و پهلوانی را هم یاد بگیریم. در رشته ی کوه نوردی نیز اگر اصولی حرکت کنیم هیچ مشکلی پیش نمی آید، اما اگر روزی بخواهم ورزش دیگری را دنبال کنم آن ورزش فوتبال یا کشتی خواهد بود.

به دوستانم هم می گویم که خود را با گوشی و بازی های رایانه ای سرگرم نکنند و حداقل در یک رشته ی ورزشی به فعالیت مشغول شوند. اعتقاد دارم یک پسر نمونه و خوب به جز تلاش برای رسیدن به موفقیت های شخصی باید در خریدها و کارهای خانه هم به مادر و پدرش کمک کند.

عامل مؤثر در پیشرفت من هم بعد از لطف خداوند و تلاش خودم، راهنمایی و پشتیبانی پدر و مادر و استادام بوده است که قدردان همگی آن ها هستم.

نیاز هر رشته ورزشی

ورزش هایی که دنبال می کنم سبب می شوند از نظر جسمانی قوی تر بشوم و حس نشاط داشته باشم، همچنین تلاشم را بیشتر می کنم تا در رشته خودم بهترین باشم و تاجایی هم که استعدادم را به درستی در این رشته ها کشف کنم به تلاشم ادامه می دهم که بتوانم در سطح جهانی بدرخشم.

برای کوه نوردی باید از نظر جسمانی قوی باشی، رشته ی کاراته سبب تمرکز و دقت زیاد و شنا هم عامل تقویت عضلاتمان می شود. درکل، ورزش سبب می شود که همیشه بدنی سالم و در زمان پیری مشکلات جسمی کمتری داشته باشیم.

هر رشته ورزشی و سایلی نیاز دارد که برای کاراته به روپا، ساق بند، لته گیر و لباس کومیته و کاتا نیاز است، برای کوه نوردی کوله پشتی و کفش مناسب، چوب باتوم و کلاه مناسب و در رشته ی شنا نیز عینک شنا، دماغ گیر، گوش گیر و مایو. البته من به جز ورزش به رشته های معرق کاری و مداحی هم علاقه مند هستم. در درسم موفق هستم و تلاشم این است که در رشته هایی که فعالیت می کنم مقام بیاورم و سبب افتخار کشورم بشوم.



جاذبیت های کوه نوردی

کوه نوردی را با همراهی پدرم انتخاب کردم، هنگام رسیدن به قله، حس غرور و رهایی دارم و همیشه اولین نفری هستم که در تیم به قله می رسم. دیدن طبیعت از بالای قله کوه مرا به این فکر فرو می برد که خدای بزرگ، این جهان را با چه دقت و ظرافتی آفریده است!

جذاب ترین بخش کوه نوردی اما دیدن جانوران و موجوداتی است که در کوه زندگی می کنند. پوشش گیاهی و سنگ های رنگارنگ مسیر هم برایم جالب است.

قله زو با ۱۵۰۹ متر قله تمرینی هر هفته من است و از سال ۱۴۰۰ تا کنون توانسته ام قله دال ۲۲۲۵ متر، قله چلیشا ۲۱۰۰ متر، قله سرآخور ۲۴۶۰ متر، قله شاه جهان ۳۰۸۰ متر، قله تیغ میان ۲۶۴۲ متر و قله جام سهنند ۳۵۷۰ متر را فتح کنم.

معتقدم قدرت روح از قدرت جسم در این راه اهمیت بیشتری دارد زیرا وقتی که روحیه داشته باشیم انگیزه ی کافی برای تلاش کردن هم داریم.





یک پاستای خوشمزه

از وقتی که خانم معلم درباره خاصیت های سبزی اسفناج سر کلاس برای بچه ها صحبت کرده بود، پویا غذاهایی که در آن اسفناج داشت را با اشتها می خورد چون می دانست که کلی ویتامین و آهن دارد و برای بدن مفید است. او بعد از مدرسه از مادرش خواهرش کرد که پاستای اسفناج بپزد. مادر پویا هم با مهربانی گفت: پس بیا با هم پاستا بپزیم و به او گفت: بسته ماکارانی فرمی را از کابینت بیرون بیاورد و توی ظرفی خالی کند. خودش هم همان اول یک قابلمه پر از آب را گذاشت روی گاز تا جوش بیاید. بعد ماکارانی فرمی یا همان پاستاها را داخل آن ریخت تا بپزد. اسفناج ها را هم خرد کرد و با کمی سیر تفت داد. وقتی پاستاها پخت آن ها را آبکش کرد و کنار گذاشت. چند قاشق پنیر خامه ای داخل یک ظرف ریخت و مقداری نمک و فلفل و آب گرم به آن اضافه کرد تا سس درست کند. بعد اسفناج ها، پاستا و سس را با هم مخلوط کرد و داخل قابلمه ریخت تا دم بکشد. بوی پاستای خوشمزه اسفناج توی خانه پیچیده بود. پویا منتظر بود تا زودتر در کنار خانواده اش یک غذای خوشمزه بخورد.



چی لازم داریم؟

ماکارونی فرمی (پاستا): سه پیمانه

اسفناج: یک دسته

سیر: به میزان دل خواه

پنیر: خامه ای به میزان لازم

نمک و فلفل: به میزان لازم





دو کتاب خواندنی



اگر شما هم مثل من علاقه مند به خواندن شعرهای کودکانه خوب هستید، پیشنهاد می‌کنم کتاب «راز بزرگ» را مطالعه کنید. این کتاب دارای شعرهای جذاب با عنوان‌های باغی پر از بهار * یک هسته‌ی مرموز * بستنی چوبی * * باد و باران * قلمب شده یک غنچه * گل سرخ * راز بزرگ * مادر بزرگ * است. می‌توانید این شعرها را حفظ کنید و برای نشان دادن ذوق ادبی خودتان در برنامه‌های مشاعره استفاده کنید. این کتاب مناسب سن ۸ تا ۱۰ سال است.



اسم کتاب: راز بزرگ
نام شاعر: ناصر کشاورز
سال نشر: ۱۴۰۳

بچه‌های عزیز آیا تا به حال ابربازی کرده‌اید؟ متوجه صحبت‌م نمی‌شوید؟ الان برایتان می‌گویم؛ وقتی به آسمان نگاه می‌کنید چه شکل‌هایی می‌توانید با ابرها بسازید؟ شاید در دنیای خیالی‌تان با ابرها کشتی، شاید هم خرگوشی کوچولو درست کنید. در داستان ما هم امید و علی هر روز با ابرهای آسمان ابربازی می‌کردند. یک روز داشتند با یک گوساله ابری بازی می‌کردند که ناگهان یک ببر خشمگین ابری به گوساله کوچولوی ابری حمله کرد. حالا علی چه کار باید می‌کرد. اگر می‌خواهید بدانید که چه اتفاقی افتاد، حتماً کتاب را بخوانید. این کتاب مناسب سن ۷ تا ۹ سال است.

اسم کتاب: آرزوهای ابری
نام شاعر: محمد هادی محمدی
سال نشر: ۱۴۰۲





مواظب دوستی‌هایمان باشیم

امام حسن عسکری (ع) یازدهمین امام ماست. او پدر امام زمان (عج) است. امام حسن عسکری (ع) گفته‌های باارزشی دارند که می‌توانیم از آن‌ها استفاده کنیم، مثلاً ایشان از ما خواسته‌اند که وقتی می‌خواهیم اشتباهات دوستانمان را بگوییم مواظب باشیم جلوی بقیه این کار را نکنیم. یا اینکه نباید شایعه‌پراکنی کنیم و دیگران را ناراحت کنیم.



آخه
هواسرد بود منم
می‌خواستم زودتر
سوار شم.

سعید جان،
به نظرم کار
خوبی نکردی
که موقع
سوار شدن
پچه‌ها رو هل
دادی، ممکن
بود اتفاقی
می‌افتاد.



چرا زودتر
سوار نمی‌شینی؟
هواسرده،
زود باشین
دیگه!

زود
باش دیگه،
محمد تو هم
بجنب دیر شد.

خب
هنوز جلویی‌ها
نرفتن بالا، باید
به نوبت سوار
باشیم.



من فکر می‌کنم
ما نباید کارهایی رو که
دوست نداریم دیگران
در برابر ما انجام بدن،
خودمون انجام
بدیم.

خب، تو
درست می‌گی،
تو دوست خوبی
هستی به حرقت
گوش میدم.



فکر
کن اگه کسی با
تو همین رفتار
رو داشته باشه
چه احساسی
بهت دست
میده؟

خب
فکر کنم دوست
نداشته باشم
کسی این کار رو با
من بکنه.





کیان، به رنگ زندگی

توی این شهر، هزاران بچه وجود دارد که با وجود اون ها، خونه ها، کوچه ها، بازارها و خیابون ها و هر کجای دیگر پر از شور و شوق زندگی می شه. بچه ها چه پسر بچه باشن و چه دختر بچه، دنیا های خاص خودشون رو دارن. روش زندگی، آرزوها و هدف های اون ها به زندگی خودشون و بقیه اعضای خانواده رنگ میده. بذارید بهتر و ساه تر بگم، هر آدمی باید به رویای خوب داشته باشه که بهش بگه پاشو و برای رسیدن به او تلاش کن. پس اگه برای خودت رؤیا و هدف و آرزویی داری به جایی بنویس و بهش فکر کن و راه بیفت که زندگی با رؤیا های رنگی زیباتره.



اسم من کیانه. کیان خسروی. امسال رفتم کلاس پنجم و خیلی خوشحالم که مدرسه ها باز شده. می خوانم بدونین چرا؟ الان بهتون می گم.



بیشتر علاقه مندی من به مدرسه به خاطر درس شیرین ریاضیه! چی می گین! ریاضی سخته. ولی باور کنین اگر ریاضی رو دوست داشته باشین حتی وقتی هم ظرف تونو می شورین می تونین به ریاضی فکر کنین. حالا کمی فکرتونو به کار بندازین و درس رو خوب یاد بگیرین، اون وقت متوجه می شین که چقدر به دست آوردن جواب مسئله ها سرگرم کننده و جذابه.





نکنه فکر کردین من همش توی حل سؤالی
ریاضی ام. نه من یه پسر معمولی ام و وقتام رو
بین علاقه مندی هام قسمت کردم. من اهل مطالعه
کتاب های غیردرسی مثل دانستنی های علمی و داستان
واختراعات هستم.

وای چقدر گرسنم شد. برم یه نیمرو درست کنم. راستش
پدر و مادر من هر دو شاغل هستن و من از مامانم یاد گرفتم چطور
در زمانی که اون ها نیستن با احتیاط و دقیق برای خودم یه لقمه غذای
حاضری یا نیمرو درست کنم یا غذا مو که مامان پخته بذارم داخل
مایکروفر و گرمش کنم.



می دونین بچه ها من از بچگی عاشق
هواپیمایم و کلی اسباب بازی و ماکت و کتاب
هواپیما دارم. یکی از آرزو هام اینه که وقتی بزرگ
شدم، طراح هواپیما بشم.



درسته که من تک پسر، اما لوس و بی هنر نیستم.
من خانواده ام رو خیلی دوست دارم و همیشه اتاقم
رو خودم مرتب می کنم و گلدون ها رو هفته به هفته
آب میدم. به نظر من توی خانواده همه باید به هم کمک
کنیم. این طوری فشار به یه نفر نمیداد و زندگی قشنگ
یعنی همین!



باتشکر از عکاس محترم مامان کیان



تصویرگر: زهره افطاسی